

مطالعه تطبیقی مبانی، قلمرو و آثار تشدید مجازات (تعدد جرم)

در نظام حقوقی ایران و فرانسه

یداله قدرتی^۱، علی جانی پور^۲، داریوش بابایی^۳

چکیده

زمینه و هدف: حقوق به عنوان نظام تعیین کننده شیوهی برخورد بین آحاد اجتماعی رسالت های مختلفی را به دوش می کشد. در این میان، کیفر به عنوان مهم ترین ابزار تضمین کننده قانون، همواره مورد بحث حقوق دانان قرار گرفته است. جرم در تمامی نظام های اجتماعی امری قبیح است و هیچ گاه با مسامحه از آن گذر نمی شود. مهم ترین هدف این مقاله، بررسی تطبیقی مبانی، قلمرو و آثار تشدید مجازات (تعدد جرم) در نظام حقوقی ایران و فرانسه است.

روش شناسی: روش گردآوری اطلاعات این مقاله با استفاده از روش کتابخانه ای است. روش تحلیل داده ها، به صورت تحلیلی- توصیفی مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته ها و نتایج: در این میان، ارتکاب دوباره جرم (به صورت تعدد) به دلیل دلالت بر استمرار حالت خطرناک مجرم با واکنش های اجتماعی شدیدتری روبرو می شود که این واکنش ها در نظام های حقوقی مختلف بر اساس مبانی و همچنین، یافته های علمی، متفاوت می گردد. با مطالعه در حقوق جزایی ایران و فرانسه این طور نتیجه گیری می شود که تعدد جرم یکی از علل تشدید کننده مجازات ها است، به طوری که در قانون مجازات هر دو کشور قلمرو و آثار تعدد جرم متفاوت هستند، اما مبنای قانونی تعدد جرم در هر دو کشور جنبه پیشگیرانه و بازدارندگی از جرم است.

واژگان کلیدی: تعدد جرم، تشدید مجازات، مبانی تشدید.

* استناددهی (APA): قدرتی، یداله؛ جانی پور، علی و بابایی داریوش (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی مبانی، قلمرو و آثار تشدید مجازات (تعدد جرم) در نظام حقوقی ایران و فرانسه. تحقیقات حقوقی آزاد. ۵۱(۱۴): ۲۷۷-۲۵۵. قابل بازیابی از: http://alr.iauctb.ac.ir/article_685029.html

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

رایانامه: Ghodrati1351gh@gmail.com

** استادیار گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. نویسنده مسئول.

رایانامه: karamjanipour@gmail.com

*** استادیار گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

رایانامه: Babaei.law@gmail.com



مقدمه

مبارزه با جرم از طریق اعمال مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی و اتخاذ سیاست جزایی مؤثر در این راه از دیرباز مورد توجه رهبران مذهبی، قانون‌گذاران و مصلحین اجتماعی بوده و هنوز هم اهمیت خود را از دست نداده است، به طوری که قسمت مهمی از مقررات و قوانین و حتی عرف و عادت بشری تحت تأثیر این مبارزه قرار گرفته است. وقتی فردی مرتکب جرمی می‌شود، حادثه‌ی اتفاق افتاده را می‌توان با عناصری چند مربوط دانست و بزه ارتكابی را از نظر منطقی و عقلی توجیه کرد و مجازات را تعدیل نمود؛ اما اگر بزه‌کاری، علی‌رغم گذشت و اغماض جامعه، مجدداً جرم جدیدی مرتکب شود یا در لحظات مختلف جرائم گوناگونی را انجام دهد، توجیه بزه‌کاری در این شرایط دشوارتر است و لذا، جامعه به دلیل احساس خطر، شدت عمل بیشتری نسبت به مجرمان معمول می‌دارد. ارتکاب جرائم متعدد می‌تواند نشانه ناسازگاری و حالت خطرناک بزه‌کار باشد (نوربها، ۱۳۹۶: ۳۹۷ و ۴۰۶).

بنابراین، عدالت کیفری اقتضاء دارد حال که افراد مجرم و قانون‌گریز نظم نهادینه شده در ساختارهای جامعه مدنی را بر هم می‌زنند، الزاماً می‌بایست با یک واکنش اجتماعی سازمان‌یافته با این دسته از افراد (مجرمین) برخورد شود. با این حال، پرسش این است که آیا مقتضی عدالت، واکنشی یکسان با هر یک از بزه‌کاران صرف نظر از اوضاع و احوال مرتکبین آن می‌باشد؟ آیا عدالت ایجاب می‌کند که حالت خطرناک مجرمین در تعیین ماهیت و مصادیق کیفری تأثیر باشد؟ بی‌تردید، کسی که چندین بار مرتکب جرم شده، اما در دستاوردهای عدالت‌خواهانه بشری پاسخگوی اعمال ضداجتماعی خویش نبوده، به مراتب دارای حالت خطرناک بیشتری نسبت به ناکرده بزه‌های است که یک‌باره مرتکب جرم می‌گردد. از این رو، حکم به برابری چنین بزه‌کارانی با افرادی که یک‌باره مرتکب جرم شده‌اند، نمود بارزی از تفکرات دوگماتیسمی «پذیرش بدون دلیل و برهان» می‌باشد. در این فرض است که حقوق کیفری نظام اجتماعی موجود را همانند جسمی که بر اثر جرائم متلاشی شده مورد علت‌شناسی قرار می‌دهد تا با اتخاذ سیاست کیفری متناسب در کنار توجه به اصل والای کرامت انسانی و واکنشی شایسته نسبت به این دسته از مجرمین داشته باشد. از این رو، حقوق کیفری مدرن با شناخت صحیح از مفهوم نسبی عدالت به حقوقی سازی تأسیسات لازم همت گمارده است که یکی از نتایج آن پذیرش تأسیس تعدد جرم در نظام حقوقی کیفری کشورهای مختلف می‌باشد (کلانتری، ۱۳۹۴: ۱۵-۱۴).

قانون‌گذار ایران به پیروی از حقوق کیفری فرانسه، ارتکاب جرائم متعدد را بدون آنکه در خصوص هر کدام از آن‌ها محکومیت قطعی کیفری صادر شده باشد، موجب تحقق تعدد جرم دانسته است. به هر ترتیب، قاعده تجویز تعدد جرم در مورد کسی اعمال می‌شود که مرتکب چند جرم جداگانه شده که هر یک از آن جرائم، عنواناً یا موضوعاً با یکدیگر متفاوت و یا غیرمتفاوت

بوده و قبلاً هم نسبت به هریک از این جرائم، رسیدگی به عمل نیامده و شخص مورد تعقیب واقع نشده و مجازات نسبت به او مورد حکم قرار نگرفته است.

در حقوق جزای فرانسه نیز تعدد جرم برای اولین در قانون مجازات ۱۸۱۰ معروف به کد ناپلئون و سپس، در قانون ۱۹۹۲ مورد تصویب قرار گرفته است. همچنین، در قانون سابق آن، راجع به تعدد جرم نصی وجود نداشت و رویه قضایی آن را ساخته و پرداخته بود (شیخ اسلامی، ۱۳۹۵: ۱۲۱-۱۲۲).

۱. مفاهیم

فهم کامل مسائل بسته به تبیین معانی واژه‌های کاربردی آن دارد، بنابراین می‌بایست مفاهیم واژه‌های کلیدی به خوبی روشن شوند تا راه درک دقیق موضوع هموار شود. در ادامه و در جهت تکمیل این فرایند می‌باید مرزبندی عنوان پژوهش با عناوین مشابه مشخص گردد تا بحث دارای چارچوب و ساختاری منسجم شده و در نهایت، ختم به جامع و مانع بودن تحقیق گردد؛ امری که در ذیل بدان پرداخته می‌شود:

۱-۱. مفهوم تعدد

سیاست جنایی غالب در مواجهه با وضعیت تعدد جرم، مبتنی بر تشدید مجازات اصلی است. اصل انطباق قوانین بر اساس موازین قانونی که مورد تصریح قانون اساسی است، مقتضی نقش فعال در ساختار بندی نهادهای حقوقی مورد نیاز می‌باشد.

تعدد در علم در لغت به معانی بشمار شدن، زیاد شدن عدد، بسیار گشتن، افزونی و فراوانی آمده است (معین، ۱۳۸۵: ۴۶۳). همچنین، در معانی تعدد [تَعَدُّدٌ] (ع مص) زیادت آمدن در عدد. (تاج المصادر بیهقی) (از اقرب الموارد) زیاده از هزار بودن. (از منتهی الارب) (ناظم الاطباء). (دهخدا، ۱۳۹۰).

قانون مجازات اسلامی تعدد جرم را تعریف نکرده است، بلکه به ذکر مصادیق و انواع آن پرداخته است. تعدد جرم وضعیتی است که حدوث آن دارای آثار قانونی است؛ مهم‌ترین اثر حقوقی مترتب بر تعدد جرم امکان یا لزوم تشدید مجازات اصلی توسط دادرس است. تعدد جرم را در معنای عام خود می‌توان به «نقض متعدّد مواد قانونی بدون محکومیت کیفری پیشینی» تعریف نمود (ذاکر حسین، ۱۳۸۸: ۲۵).

با توجه به ضوابط حقوق جزا و نظر اکثر حقوقدانان، تعدد جرم ممکن است به دو صورت مادی و معنوی و به تعبیر دیگر، با افزودن تعدد نتیجه به سه صورت انجام گیرد. هر چند قائلین به قول اخیر تعدد نتیجه را در تقسیم‌بندی خود لحاظ نموده‌اند، ولی بر این نکته تأکید داشته‌اند

که تفکیک میان تعدد نتیجه و تعدد جرم مشکل و در اکثر موارد این دو متحدند (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۵: ۱۰۳).

در قانون جزای فرانسه در فصل دوم از گفتار نخست از ماده ۱۳۲-۲ تا ماده ۱۳۷-۷ در ارتباط با تعدد جرم صحبت شده است. در ماده ۱۳۲-۲، تعدد جرم این گونه تعریف شده است: «هنگامی که جرمی توسط یک شخص ارتکاب یافته باشد و پیش از آنکه در این مورد حکم قطعی صادر شود، نسبت به دیگر جرم ارتكابی، تعدد جرم وجود دارد». (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۹۵: ۸۷).

۱-۲. مفهوم تشدید مجازات

گاهی اوقات ممکن است فردی با وجود آنکه مجازات جرم ارتكابی اولیه را تحمل کرده، متنبه نشده و مجدداً اقدام به تکرار جرم نماید و یا این که به دفعات مرتکب جرم می‌شود. در این مورد نیز مقنن برای مرتکب جرم، به علت تکرار و یا تعدد جرم، مسؤولیت کیفری بیشتری را قائل شده و مجازات‌های بیشتری را پیش‌بینی می‌کند (شامیاتی، ۱۳۹۶: ۲۲۳).

در فرهنگ لغت، تشدید به معانی مختلفی از جمله: سخت گرفتن، سخت کردن، استوار کردن و سخت‌گیری به کار رفته است (معین، ۱۳۸۴: ۴۵۵).

لازم به ذکر است که در کیفیات مشدده الزاماً قاضی صادرکننده حکم از حداکثر مجازات فراتر می‌رود، البته گاهی شرایط حاکم بر ارتكاب جرم و یا مرتکب به گونه‌ای است که قانون‌گذار اختیارات قاضی را در اعمال کیفیات مخففه محدود می‌نماید. در اینجا نیز با کیفیات مشدده روبه‌رو می‌شویم، هرچند که قاضی از حداکثر فراتر نرفته است (میلانی، ۱۳۹۵: ۲۸-۲۷).

به عبارت دیگر، تعدد جرم یکی از جهات تشدید مجازات است. به نظر برخی از حقوقدانان، هرگاه شخصی به دفعات مرتکب جرم گردد، باید به مناسبت هر یک از آن‌ها، جداگانه مجازات شود. برعکس، عده‌ای دیگر معتقدند که تعدد جرم مستلزم تعدد مجازات نیست، زیرا جامعه می‌باید بلافاصله پس از وقوع جرم، مرتکب را مجازات کند تا برای ارتكاب جرائم مجدد فرصت پیدا نکند و چون جامعه در انجام آن به جهت جرم اول نیز وی را مجازات نماید (باهری، ۱۳۸۹: ۳۲۵).

این استدلال مورد انتقاد قرار گرفته، زیرا غالباً فاصله‌ای بین جرائم متعدد وجود ندارد تا جامعه به علت تأخیر در مجازات اولی، قابل ملامت و سرزنش باشد. بعلاوه، ضمانت اجرای تأخیر جامعه در تعقیب و مجازات بزهکاری می‌بایست ضمن قواعد دیگر تأمین شود و نیازی بدان نیست تا قاعده تعدد جرائم را به عنوان ضمانت اجرای دیگر توجیه نماییم (علی آبادی، ۱۳۳۴: ۲۵۸).

تعریف ساده‌ای که می‌توان از تعدد جرم ارائه داد، ارتکاب جرائم متعدد توسط مرتکب جرم است و این تعریف خالی از اشکال نیست، چراکه این تعریف برحسب قوانین مختلف می‌تواند متفاوت باشد؛ از این رو که قوانین مختلف برای صدق عنوان تعدد جرم قیود مختلفی را به کار برده‌اند، می‌توان این گونه گفت تعدد جرم وقتی مصداق پیدا می‌کند که مرتکبی جرائم متعدد را انجام داده، ولی نسبت به آن‌ها محکومیت قطعی پیدا نکرده است.

۱-۳. مفهوم اسباب (سبب) در جنایات

مسئله تداخل در جنایت که یکی از سخت‌ترین و پرطرف‌وحديث‌ترین مسائل جنایی است. در فقه نیز از تداخل با عنوان‌های مختلفی از جمله تداخل اسباب و تداخل دیات و تداخل جنایات مباحثی مطرح شده است. منظور از تداخل اسباب یعنی وجود چند سبب در مورد انجام یک عمل واجب است (دعاخوان، ۱۳۹۴).

اسباب در علم لغت به معنای ۱. لوازم، ساز و برگ‌ها؛ وسایل: اسباب خانه. ۲. امکانات؛ لوازم مورد نیاز ۴. ثروت آمده است (عمید، ۱۳۹۷: ۷۰).

در تداخل اسباب نیز اسباب متعدد، مقتضی یک مسبب می‌باشند، به طوری که گویا یک سبب پدید آمده است. درباره تداخل اسباب، فقها سه نظریه کلی مطرح کرده‌اند: الف) اصل، عدم تداخل است که مشهور فقهای امامیه به آن قائل هستند، ب) اصل، تداخل، ج) تفصیل و تفکیک میان اسبابی که از جنس‌های مختلف هستند و اسبابی که از یک جنس هستند، به این نحو که در اسبابی که از جنس‌های مختلف هستند، اصل عدم تداخل و در اسبابی که از یک جنس هستند، تداخل آن‌ها پذیرفته شده است. ولی به طور کلی درباره نظر مشهور، یعنی عدم تداخل اسباب چنین استدلال کرده‌اند که در یک قضیه شرطیه که دارای شروط متعدد است، هر شرط، ظهور در استقلال در سببیت دارد و جزاء بر هر یک از آن‌ها مترتب می‌شود؛ گرچه مشهور فقها مقتضای اصل لفظی را عدم تداخل اسباب و نیز عدم تداخل مسببات می‌دانند، ولی مواردی را که دلیل خاصی وجود داشته باشد، استثناء می‌کنند؛ به گونه‌ای که قانون‌گذار مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، با پذیرفتن نظر مشهور فقهای امامیه، اصل را بر عدم تداخل قرار داده و در برخی موارد تداخل را پذیرفته است (لطفی و میرمجیدی، ۱۳۹۴: ۱۶۳-۱۶۲).

نخستین فقیه شیعی که بحث تداخل اسباب را به عنوان قاعده مطرح کرده، شهید اول در القواعد و الفوائد است. پس از وی، فقها این مسئله را در شمار قواعد فقهی مطرح کرده‌اند و اصولیان متأخر آن را در ضمن مبحث مفهوم شرط زیر عنوان «تعدد شرط و اتحاد جزاء» آورده‌اند. این قاعده در حقیقت متشکل از دو قاعده است: قاعده تداخل اسباب؛ قاعده تداخل مسببات. تداخل اسباب به معنای اجتماع علل و اسباب متعدد شرعی در ایجاد مسبب (معمول) و اثر واحد است؛

بحث تداخل اسباب در جایی مطرح می‌شود که یک مسبب دارای چند سبب مستقل و در عرض هم باشد. در مواردی که مسبب قابلیت تکرار ندارد، در تحقق «تداخل اسباب» شکی وجود ندارد؛ اما گاهی مسبب ماهیتی است که قابلیت تکرار دارد؛ در این مورد، اگر دلیل خاصی بر تداخل یا عدم اسباب موجود باشد، طبق آن عمل می‌شود، ولی گاهی هیچ‌گونه دلیلی بر تداخل اسباب و یا عدم آن در دست نیست. در این فرض، میان علما بحث است که آیا مقتضای قاعده، تداخل اسباب است یا عدم آن. بیشتر عالمان اصول اعتقاد دارند مقتضای قاعده، عدم تداخل اسباب است و برخی مانند مرحوم آقا حسین خوانساری، به تداخل اسباب معتقدند. برخی دیگر نیز مسئله تفصیل‌هایی بیان نموده‌اند (احمدی، ۱۳۹۳: ۵۷).

۲. پیشینه تاریخی و اجتماعی

موضوع تعدد جرم در حقوق جزا از مسائلی است که از دیرباز مورد توجه جوامع دنیا قرار گرفته و نظریات مختلفی تحت این عنوان و یا به طور غیرمستقیم درباره آن ابراز شده و بر اساس این نظریات، قاعده مزبور به سیر تکاملی خود ادامه داده تا به صورت امروزی درآمده است. گرچه امروزه سیستم‌های پیشرفته تقریباً به طور مشابه قاعده تعدد جرم را پذیرفته‌اند، معذکک تاکنون وحدت نظر کاملی در این زمینه بین آنان به وجود نیامده است. لذا، در ادامه همین مبحث پیشینه تعدد جرم را در حقوق جزایی ایران و فرانسه مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۲-۱. پیشینه تعدد جرم در حقوق موضوعه ایران و فقه

در بحث تعدد جرم، فقیهان در برخی موارد قائل به اجرای مجازات اشد و در برخی دیگر قائل به جمع مجازات‌ها شده‌اند؛ اما در بحث تکرار جرم که بیشتر در بحث حدود و تعزیرات مطرح شده است، فقیهان به تشدید مجازات حکم کرده‌اند (یزدانی، ۱۳۹۳: ۵۵).

تشدید مجازات در صورت تعدد جرم از جمله مواردی است که مورد توجه اکثر فقها قرار گرفته است. نظام حقوقی و کیفری اسلام نیز قرن‌ها پیش به این امر دقت داشته و به تشدید مجازات در صورت تعدد و تکرار جرم پرداخته است. در بحث تعدد جرم فقیهان در برخی موارد قائل به اجرای مجازات اشد و در برخی دیگر قائل به جمع مجازات‌ها شده‌اند (صداقت‌گویان، ۱۳۹۷).

از منظر فقه عوامل تشدید مجازات دارای انواع مختلفی هستند و از جهات گوناگون قابل قسمت‌اند: در یک تقسیم‌بندی می‌توان علل تشدید مجازات را به چند قسمت تقسیم کرد: عللی که مربوط به قربانی جرم هستند، مانند سن و وضعیت جسمانی، وضعیت خانوادگی، درجه قرابت؛ چنانکه در مسائل مربوط به «زنای با محارم» در کتب فقهی ما چنین آمده است: اگر کسی با یکی از زن‌هایی که محرم نسبی او هستند، مرتکب زنا شود، حد او کشتن است.

یکی از عوامل عمومی تشدید مجازات که فی الجمله مورد قبول فقها قرار گرفته، تعدد جرم و ارتکاب مجدد همان جرم می‌باشد؛ زیرا عدالت و انصاف اقتضا می‌کند که مجازات کسی که یکبار مرتکب جرم شده است و آن کسی که چندین بار نظم اجتماعی را آشفته ساخته است، یکسان نباشد. از سوی دیگر، ارتکاب جرائم متعدد، گاه نشانه ناسازگاری و حالت خطرناکی بزهدار است. دفاع جامعه اقتضا می‌کند که نسبت به بزهداران ناسازگار تصمیم دیگری جدا از مجازات اتخاذ گردد (یزدانی، ۱۳۹۳: ۵۸-۶۱).

از ایران قدیم در خصوص حقوق کیفری و طریقه مجازات مطلب قابل توجهی وجود ندارد. فقط از مدارک به دست آمده دوران ساسانیان این طور استنباط می‌شود که در این دوره اختیارات قضات محدود بوده و برای هر عملی مجازات معینی پیش‌بینی می‌شده است. تنها موردی که از نظر رعایت تعدد جرم به چشم می‌خورد، اشاره‌ای است که در جلد اول تاریخ هرودوت شده است و احکام تعدد جرم را نظیر تکرار دانسته است. با اینکه تکرار جرم موجب تشدید مجازات می‌شده است، لکن نحوه عمل در مورد تعدد جرم کاملاً روشن نیست. فقط در کتاب اوستا اشاره‌ای شده است که در صورت تعدد جرم به هر جرم علی‌حده رسیدگی شود. آنچه در جلد اول کتاب هرودوت ذکر شده، چنین است: «هخامنشیان مسئله تعدد جرم را تا حدودی می‌شناخته‌اند، ولی به‌خودی‌خود بر این قاعده حکمی بار نمی‌شده است و تنها به خطر ناشی از جرم توجه می‌شده است. آن‌ها میزان خطر مجرم را تا حدود امکان به نحو خاصی می‌سنجیدند و بر اساس آن حکم می‌دادند» (اختری و همکاران، ۱۳۹۶: ۷).

محققین و مفسرین معاصر در زمینه تعدد جرم اطلاعات بیشتری در حقوق ایران قدیم تا قبل از اسلام به دست نیاوردند؛ لیکن چون بعد از اسلام حقوق ایران منعکس از فقه امامیه می‌باشد، لذا، بایستی این قاعده در حقوق اسلام مورد مطالعه قرار گیرد (شیخ‌السلامی، ۱۳۹۵: ۱۶-۱۷).

مقررات راجع به تعدد جرم اولین بار در مواد ۳۱، ۳۲ و ۳۳ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، مورد تصویب قرار گرفت و چون در عمل مقررات موضوعه در این مورد جامع و مانع به نظر نمی‌رسید، لذا در تاریخ ۱۳۱۲/۰۷/۱۲ طی تصویب مواد ۲ و ۳ الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری، مواد ۳۲ و ۳۳ صریحاً نسخ شدند؛ و سپس، در سال ۱۳۵۲ با تجدیدنظر کلی در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، مقررات مواد ۲ و ۳ الحاقی در تعدد جرم نسخ گردید و مواد ۳۱ و ۳۲ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲، احکام تعدد جرم را مشخص نمودند. بعد از انقلاب نیز مقنن در سال ۱۳۶۱، در قانون راجع به مجازات اسلامی در مواد ۲۴ و ۲۵ و سپس، در سال ۱۳۷۰ در مواد ۴۶ و ۴۷ به بحث تعدد جرم پرداخت و نهایتاً، در سال ۱۳۹۲ (قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳) در قانون جدید در مواد ۱۳۱ الی ۱۳۴ در خصوص تعدد جرم بحث نمود (بسامی، ۱۳۹۵: ۱۹-۲۰).

۲-۲. پیشینه تعدد جرم در حقوق جزایی فرانسه

حقوق کیفری در گذر از دوره‌های مختلف در مقام اتخاذ یک واکنش اجتماعی مؤثر تحت تأثیر مکاتب جزایی متفاوت، مواضع گوناگونی را پدیدار ساخته است. از یک سو، دیدگاه‌های مکتب دفاع اجتماعی و تحقیقی حقوق جزا سبب شد تا بزهدار با ارتکاب هر تعدد اعمال ضد اجتماعی با سیاست اصلاح و درمان و اقدامات تأمینی و تربیتی روبه‌رو شود؛ اما از سوی دیگر، در دوران معاصر با توجه به شکست عملی سیاست اصلاح و درمان مکاتبی همانند مکتب نئوکلاسیک جدید یا همان بازگشت به سزاگرایی جهت‌گیری تنگاتنگی با «کیفرهای استحقاقی یا شایسته» داشته‌اند. با توجه به دیدگاه مکتب اخیر می‌توان گفت مجرمینی که مرتکب جرائم متعدد در برهه‌ای از زمان می‌شوند، به مراتب خلل بیشتری به نظم اجتماعی وارد می‌سازند و طبیعتاً دارای تفکرات مجرمانه پیچیده‌تری نسبت به دیگر بزهداران می‌باشند. پس، در این فرض حقوق کیفری می‌بایست نظام اجتماعی موجود را تبیین کرده، بعد از آن به مقابله با مجرمین پردازد و در این بین، طبیعتاً قلمرو چنین مقابله‌ای نسبت به مرتکبین جرائم متعدد بیشتر خواهد بود. پس با همه تحولاتی که در حقوق کیفری ایجاد شده، هنوز اصل به کارگیری مجازات به عنوان لازمه مهم حفظ نظم اجتماعی ضرورت خود را نشان می‌دهد. بنا بر اصل کلی، جامعه در قبال هر جرم یک مجازات را بر بزهدار اعمال خواهد نمود (کلاتری و جعفریان سوته، ۱۳۹۰: ۳۰۸-۳۰۹).

با وجودی که در حقوق رم قدیم، مقرراتی که ناظر به اجتماع مجازات‌ها باشد، وجود نداشته، به نظر می‌رسد حقوقدانان رمی قاعده‌ی جمع مجازات‌ها را پذیرفته‌اند. رویه قضایی کشور فرانسه در تعدد جرم از نظریه مفسران قدیم رم پیروی کرده است (شیخ‌السلامی، ۱۳۹۵: ۱۶).

۳. مبانی تعدد جرم

حقوق کیفری به مثابه بخش ویژه‌ای از حقوق، اجزای سه‌گانه به هم پیوسته‌ای دارد که عبارت‌اند از: مبانی، اصول و قواعد. اگر حقوق را همانند یک درخت بنگریم، مبانی همچون ریشه آن و اصول همچون تنه آن و قواعد همچون شاخه‌ها و برگ‌های آن‌اند. این اجزاء در پیوند با یکدیگر مجموعه حقوق یا نظام حقوقی را تشکیل می‌دهند. بدون این اجزاء حقوق نمی‌تواند زنده و پویا باشد. روشن است که چه از دید نظری و علمی و چه از دید کاربردی و عملی، تا مبانی و اصول به درستی شناخته و ساخته نشوند، قواعد و احکام که از آن‌ها می‌گیرند، چنان که باید جان نمی‌گیرند و بهره‌ای که باید نمی‌دهند (منصورآبادی، ۱۳۹۵: ۹۳).

۳-۱. مبانی جرم‌شناسی تعدد جرم از منظر حقوق جزایی ایران

برای جلوگیری از ناسازگاری قوانین با یکدیگر در موضوع واحد، روش‌های متفاوتی وجود دارد. گاهی قانون اولویت دار وجود دارد یا ممکن است قانون خاص جایگزین قانون عام و قانون

جدیدتر جایگزین قانون قدیمی تر شود. اصل تضاد در خدمت اهداف متعددی است؛ از جمله زمانی که رابطه میان عمل مجرمانه و پیامدهای ناعادلانه آن در زمینه تعیین مجازات، مبانی قانونی برای انتخاب مجازات مناسب را ترسیم می‌کند. نظریه تضاد در زمینه تعدد جرم دارای قواعدی است. مهم‌ترین این قواعد، قاعده منع مجازات مضاعف^۱ است. مبنای این قاعده از لحاظ عینی آن است که یک واقعیت زندگی مادی فقط یک بار موضوع حقوق کیفری می‌تواند قرار بگیرد، اما این مبنا مطلق نیست. برای نمونه، اگر شواهد جدیدی کشف شود، اعاده دادرسی حتی به ضرر فرد تیره شده، امکان‌پذیر است. اصل دادرسی عادلانه نیز اقتضا دارد که مجازات عادلانه بر مجرم اعمال گردد و نادیده گرفتن قاعده منع مجازات مضاعف برخلاف این اصل است. همچنین، امنیت قضایی نیز ایجاب می‌نماید که دادرسی در خصوص عملی مجرمانه زمانی مشخص به پایان برسد و نمی‌توان بی‌وقفه درباره یک عمل مجرمانه تحقیق کرد (ساداتی، ۱۳۹۶: ۲۰۷).

این بدیهی است که برای حفظ امنیت عمومی بایستی کیفر متناسب با جرم باشد. گاهی عمل مجرمانه‌ای که صورت می‌گیرد، خطر بیشتری برای جامعه به وجود می‌آورد یا احساس نفرت و انزجار بیشتری را در مردم جامعه بر می‌انگیزد. در این موارد، قانون‌گذار برای ارتکاب جرم، مجازات سنگین‌تری در نظر می‌گیرد. گاهی هم ممکن است شخص به دفعات مرتکب جرم شود یا بعد از اجرای یک مجازات مجدداً دست به ارتکاب جرم دیگر بزند. عدالت و انصاف ایجاب می‌کند که میان مجرمی که نخستین بار مرتکب جرم شده است، با مجرمی که به دفعات مرتکب جرم می‌شود یا بعد از اجرای مجازات مجدداً دست به ارتکاب جرم می‌زند، تفاوت باشد. در کلیه این موارد تشدید مجازات ضروری است (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۹-۲۰).

در حقوق جزای اسلامی، هر جرمی مجازات خاص خود را دارد و لذا، در جرائم متعدد، مجازات نیز متعدد می‌شود و جمع مجازات‌ها در مورد مرتکب اجرا می‌گردد (الهام و برهانی، ۱۳۹۳: ۲۰۱).

این نظریه، نظریه جمع مجازات‌ها نام دارد. ولی این قاعده مطلق نبوده، در همه جرائم چنین نیست. در فقه امامیه موارد خلاف قاعده منصوصاً مشخص است. در فقه عامه این اصل کلی با دو نظریه تقیید شده است که از آن‌ها با عنوان نظریه تداخل و نظریه جب یاد می‌شود (الهام، ۱۳۹۲: ۴۵).

در حقوق کیفری اسلامی، جرائم بر اساس مجازات‌ها می‌توانند به دو دسته جرائم مستوجب مجازات‌های منصوص شرعی و غیرمنصوص شرعی تقسیم شوند. جرائم مستوجب حد (ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی)، قصاص (ماده ق.م.ا.۱)، دیات (ماده ۱۷ ق.م.ا.۱) و همین‌طور تعزیرات منصوص شرعی (ماده ۱۸ و تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا.۱) را می‌توان در زمره جرائم منصوص شرعی

^۱. ne bis in idem

دانست (ساداتی، ۱۳۹۶: ۲۰۶). لذا، مشاهده می‌شود که قانون‌گذار ایرانی در طی قانون‌گذاری‌هایی که انجام داده است، تشدید مجازات را بر اساس مبانی اسلامی مدنظر قرار داده است.

۳-۲. مبانی جرم‌شناسی تعدد جرم از منظر حقوق جزایی فرانسه

درباره مبانی مجازات مجرم دو پرسش هست که باید به آن‌ها پاسخ داد؟ یکی اینکه چرا باید مجرمان را مجازات کنیم؟ و دیگر اینکه اختیار یا حق مجازات کردن مجرمان خطرناک (متعددین جرم) از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ یکی از رویه‌هایی که انسان‌ها از گذشته‌های دور با آن آشنایی دارند، مجازات کردن کارهای بد و ناشایست است و پاداش دادن در برابر کارهای خوب و شایسته است. از متون و منابع تاریخی چنین بر می‌آید که پاداش دادن هیچ‌گاه پرسش‌برانگیز نبوده، ولی چرایی مجازات کردن همیشه از پرسش‌های اساسی پیش روی اندیشمندان بوده است؛ زیرا مجازات ذاتاً ناخوشایند است و کمتر کسی پذیرای آن است.

آینده‌نگرها معتقدند مجازات به این دلیل پذیرفتنی است که در آینده سودی دارد، سودی که با اعمال مجازات به دست می‌آید.

سزاگراها معتقدند آینده را باید به آینده واگذار کنیم، ما اکنون در معرض زیان قرار گرفته‌ایم و باید برای آن چاره‌اندیشی کنیم. مجازات جبران بدی با بدی است و گریزی از آن نیست. (ساداتی، ۱۳۹۶: ۱۰۱). همان‌طور که گفته شد، تعدد جرم نشان از خطرناک بودن مجرم است و به دستگاه عدالت کیفری این فکر را القاء می‌کند که در برابر چنین مجرمی که به کرات نظم جامعه را مختل کرده، واکنش شدیدتر و متناسب با میزان خطر او نشان دهد. از این رو، نظام‌های کیفری مختلف واکنش‌های متفاوتی در رویارویی به تعدد جرم از خود بروز داده‌اند. بعضی از نظام‌های کیفری مانند نظام آنگولاساکسون قاعده جمع مجازات‌ها را برگزیده است. این نظر که راه‌حل اثبات‌گرایان است، حدود دو قرن در فرانسه حاکم بوده و در قانون برومر^۱ و سپس، در قانون تحقیقات جنایی و آن‌گاه در قانون جزای ۱۸۱۰ معروف به کد ناپلئون لحاظ شده است. در آن قانون مقرر شده بود: «در مورد محکومیت متهم به لحاظ جرائم متعدد، فقط مجازات اشد مورد حکم قرار می‌گیرد» (فرج‌الهی، ۱۳۸۹: ۳۱۶).

در حال حاضر، نظام جزایی فرانسه، تحت تأثیر عقاید مکتب تحقیقی حقوق جزا و مکتب دفاع اجتماعی جدید، رویه خاصی را اتخاذ کرده که مطابق آن وقتی شخصی مرتکب تعدد جرم می‌شود، تنها مجازات جرم اشد را درباره وی اجرا می‌کنند. نظریه‌ای که الهام‌بخش این رویه و تصمیم در مورد منع جمع مجازات در تعدد جرم بوده است، این می‌باشد که مهم‌ترین هدف مجازات، اصلاح حال مجرم و دفاع اجتماعی است و این مسئله در مورد تعدد جرم هم صادق

^۱.Code De Brumaire.

است. اگر هدف از مجازات، تنها گرفتن انتقام و اذیت و آزار مجرمین بود، آن وقت جمع مجازات‌ها به هنگام تعدد جرم، منطقی و اصولی جلوه می‌کرد، ولی اگر هدف اصلی نظام جزایی اصلاح حال مجرم باشد، از تحمیل مجازات‌های طولانی، بدون توجه به سوابق مجرم و علل اجتماعی و روانی که باعث بزهکاری او شده است، نتیجه مطلوب حاصل نمی‌شود (ابراهیمی منش و قراخانی، ۱۳۹۴: ۳۹-۴۰).

۴. قلمرو و آثار قاعده تعدد جرم

تشدید مجازات‌ها از راهکارهای سیستم‌های جزایی جهان در مبارزه علیه جرم است. اصل شخصی بودن مجازات‌ها ایجاب می‌نماید بر مرتکبینی که جرائم مشابه از آن‌ها سر زده، متناسب با وضعیت و شخصیت آن‌ها و جرم ارتكابی برخورد شود. علل تشدید گاه در مجرم نهفته است و گاه به جرم برمی‌گردد و این علل در دو مجرای کیفیات و معاذیر به تطبیق مجازات با مرتکب جرم می‌پردازد. کیفیات مشدده جهاتی هستند که به طور عموم و صرف نظر از نوع جرم، زمینه تشدید مجازات را فراهم می‌آورد؛ و عذرها یا جهات تخفیف‌دهنده مجازات یا تشدیدکننده آن، عللی هستند که در جرمی خاص مدنظر قانون‌گذار قرار گرفته و به منظور رسیدن به اهداف خاص مجازات‌ها اعمال می‌گردد (جعفری دولت‌آبادی، ۱۳۸۴: ۱۱).

زمانی تولستوی این سؤال را مطرح نمود که «اساساً یک فرد چه حقی دارد که بتواند شخص دیگری را در راستای مجازات عذاب داده، تبعید کند یا شلاق بزند»؟ مگر غیر از این است که او همانند آن شخصی است که این مجازات در حق او روا دانسته شده! در پاسخ به این سؤال کلیدی، مکتب‌های مختلفی از نظام‌های مختلف حقوقی برخوردارند که تمام تلاش خویش را برای پاسخ‌دهی بدان ابراز نمودند. مکتب قرارداد اجتماعی پایه و اساس چنین حقی را در نگرش به توافق جمعی برای مجازات فردی در نظر می‌گیرد که جامعه نسبت بدان چنین احساس و واکنشی را احساس می‌نماید. به عقیده سردمداران این اندیشه، وقتی فردی رفتار غیراجتماعی از خود بروز می‌دهد، لایق مجازات است؛ زیرا با این عمل موجب شده است نظم اجتماعی که پیش از این توافق کرده بود آن را از بین نبرد را از بین برده است؛ از دیدگاه مکتب فایده‌گرایی، چنین حقی زمانی برای یک فرد به وجود می‌آید که در کیفر فایده‌ای وجود داشته باشد، صرف نظر از میزان و نوع فایده که مورد اتفاق عامه فلاسفه‌ای که در این عرصه حضور دارند، نمی‌باشد. مسئله مهم، صرف وجود چنین فایده‌ای است که بتواند کیفر را توجیه نماید؛ به عنوان مثال، وقتی فردی رفتار ضداجتماعی را به انجام می‌رساند، زندانی کردن وی این فایده را برای اجتماع در اجتماع دربردارد که از رفتارهای نابه‌هنگار بعدی این شخص جلوگیری به عمل می‌آید؛ از دیدگاه مکتب الهی، حق مجازات به این دلیل که شارع مقدس برای بشر چنین حقی قائل شده است، پس می‌تواند بدان

تمسک جسته و از آن بهره ببرد و برای این منظور حتی او نیازمند توجیه رفتار ارتكابی خویش نیز نمی‌باشد؛ زیرا شریعت در بسیاری از مواقع به هیچ عنوان نیازمند تأیید عقلی نیست.

از دیدگاه مکتب فطری، حق بر مجازات پیش‌تر به این دلیل به وجود می‌آید که انسان ذاتاً و فطرتاً در برابر رفتارهایی که به وی آسیب می‌رساند، انگیزه و خوی انتقام‌جویی و کیفرگرایی دارد و لذا، مبادرت به اعمال کیفر می‌نماید. در دیدگاه عدالت مطلق، حق بر مجازات زمانی مطرح می‌شود که نفس اجرایی عدالت برای ایجاد برابری بین فعل ضد هنجار با آسیب‌های به وجود آمده متأثر از آن فعل، ایجاب می‌نماید که مجازاتی وجود داشته باشد و با شخص مجرم برخورد کیفری گردد (ابراهیم آبادی، ۱۳۹۵: ۱۴). در دیدگاه اخلاقی گرا، حق بر مجازات زمانی معنا می‌یابد که امری غیراخلاقی شماره شده و درست در همین زمان است که می‌توان به مجازات‌گرایی پرداخت (هاسکینز^۱، ۲۰۱۱: ۱۴۲-۱۶۲).

صرف نظر از اینکه به هر یک از پایه‌ها و اساس‌های فکری که در این زمینه پایگاه عقلانی مشخصی را ابراز نموده‌اند، ایرادات مختلفی وارد می‌شود، ولی نمی‌توان کتمان نمود که هر یک از این مبناها برای اعمال حق کیفر اگر مورد توجه و استناد قرار دهیم، ناچاریم منطق اعمال کیفری خویش را به نحوی پایه‌گذاری نماییم که مورد ایراد بنیان اولیه یاد شده نباشد.

۴-۱. قلمرو قانونی تعدد جرم

اصولاً تعدد جرم همیشه موجب تشدید مجازات بوده و می‌باشد. چه مقنن فرض نموده که کسی که بارها مرتکب جرم گردیده، اعم از اینکه بعضی از آن‌ها منجر به صدور حکم قطعی شده باشد یا خیر، به مراتب برای جامعه خطرناک‌تر از مجرمی است که فقط یک بار دست به عمل زده است. به همین علت هم از دوران بسیار قدیم تا به حال برای این چنین مجرمینی مقررات خاصی در نظر گرفته بوده است. در سیستم کیفری ما نیز وضع به همین منوال است. قانون‌گذار ما چه در قوانین سابق و چه در قانون مجازات عمومی اصلاح‌اخیرالتصویب روش خاصی را برای کسانی که بارها مرتکب جرم شده‌اند، پیش‌بینی نموده است. اکنون بحث بر سر آن است که قلمرو زمانی این قوانین چه می‌باشد؟ به عبارت دیگر، اگر مقنن دریافت که لازم است در مورد تکرار یا تعدد جرم شدت بیشتری به خرج داده شود و مجازات را تشدید نماید، آیا می‌توان این قوانین را عطف به ماسبق نمود یا خیر؟

این همان امری است که قانون‌گذار در خصوص تعدد پیش‌بینی نموده و مقررات شدیدتری نسبت به سابق از تصویب گذرانیده است. در پاسخگویی به این مسئله، عده‌ای از دانشمندان معتقدند که آنچه موجب تشدید مجازات می‌گردد، همان تکرار یا تعدد جرم است؛ بنابراین،

^۱. Hoskins

هرگاه بعضی از اعمال متشکله تعدد در زمان حکومت قانون اخیر اتفاق افتاده باشد، مانعی نیست که قانون اخیر ولو شدیدتر عطف به ماسبق شود. آنان می‌گویند: هرگاه جرائم اخیر ارتکاب پیدا نمی‌کرد، اجرای مقررات تعدد یا تکرار هم مصداق پیدا نمی‌کرد؛ و چون ارتکاب جرائم اخیر است که موجب اجرای مقررات تعدد یا تکرار می‌شود، لذا طبیعی است که بایستی این قانون را عطف به ماسبق نمود؛ خلاصه آنکه هدف قانون جلوگیری از حالات خطرناک مجرم است.

آقایان «مرل» و «ویتو»، مؤلفین رساله حقوق جنایی به زبان فرانسه، همین استدلال را در مورد تکرار جرم قبول نموده و اضافه نموده‌اند که چون متهم قبلاً می‌دانسته با ارتکاب جرم جدید، شرایط خود را وخیم‌تر خواهد نمود و با این علم و اطلاع مرتکب جرم دیگری گردیده است. لذا، می‌توان قانون اخیر را ولو شدیدتر عطف به ماسبق نمود. قبول این استدلال به این نحو و به‌طور درست صحیح نیست و بایستی بین تکرار و تعدد جرم فرق قائل گردید. نکته‌ای که ذکر آن ضروری است، آنکه این استدلال از نظر بیان نظریات کلی و اصولی است که در این مبحث وجود دارد والا با ملاحظه و دقت در قانون مجازات عمومی و مقایسه مواد ۲۴ و ۲۵ قانون اخیرالتصویب با قانون سابق چنین استنباط می‌شود که قانون جزای مصوب سال ۱۳۵۲ در مورد مقررات تکرار جرم به مراتب خفیف‌تر از قانون سابق بوده و از این جهت نیز اشکالی در عطف به ماسبق کردن قانون اخیر در بین نیست؛ و اما در مورد تعدد جرم با استدلال آن دسته از حقوقدانان که در فوق به آن اشاره شد، موافق نبوده و معتقدیم که اجرای نظریه این دانشمندان با اصول غیرقابل خدشه حقوق جزا انطباق و اجرای این نظریات موجب تشدید مجازات و تحدید آزادی‌های متهم می‌گردد (حاجی مرادی، ۱۳۹۵: ۵-۶).

می‌توان این‌گونه ادعا کرد که نظام حقوقی کشور ما پنج حوزه‌ی مختلف برای حقوق جزای عمومی وضع کرده است که تعدد جرم نیز در هر یک از این حوزه‌ها با دیگری متفاوت است؛ در حالی که برای مثال، در فرانسه و یا سایر کشورها تعدد جرم از علل عام تشدید و برای همه جرائم یکسان است؛ در نتیجه، بر تمام جرائم یک قاعده عام حاکم است (حاجی مرادی، ۱۳۹۵: ۱۲).

۴-۲. آثار اعمال تشدید مجازات

گاه قانون‌گذار وجود یکسری شرایط و عوامل را در زمان ارتکاب جرم باعث تشدید مجازات دانسته است. این شرایط و عوامل، کیفیات مشدده مجازات نامیده می‌شوند. کیفیات مشدده یا علل تشدید مجازات به دو نوع عمومی و اختصاصی تقسیم می‌شود. علل اختصاصی، عللی هستند که به جرم یا جرائم معینی اختصاص دارد. در واقع، در بعضی از جرائم خاص، قانون‌گذار وجود عوامل و شرایطی را باعث تشدید مجازات دانسته است. در این موارد، جرائم ارتكابی به صورت عمیق‌تر و جدی‌تر، وجدان جامعه را جریحه‌دار می‌کند (بسامی، ۱۳۸۹: ۱۵).

در حقوق اسلامی یکی از عوامل مهم در تعیین مجازات، اعمال قاعده تشدید است. گاهی عمل مجرمانه‌ای که صورت می‌گیرد، توأم با خطرات بیشتری برای جامعه بوده و بالطبع تنفر و انزجار بیشتری را برای افراد جامعه به وجود می‌آورد. در این حالت، قانون‌گذار در راستای تحقق بخشیدن اصلاح، مجازات‌های سنگین‌تری برای این قبیل افراد منظور می‌نماید. مجرمی که فرایند کیفری را پیموده، ولی طعم تلخ مجازات نتوانسته او را متنبه کند و در اصلاح او مؤثر واقع شود و مجدداً اقدام به تکرار همان جرم بنماید، منطقی است که اعمال مجازات در حق وی تشدید گردد. قانون‌گذار در مورد تشدید مجازات حساسیت زیادی به خرج داده است و برخلاف تخفیف مجازات که قاضی دارای اختیارات زیادی است، قاضی دادگاه در مواردی می‌تواند مجازات را تشدید کند که قانون به او اجازه داده است و در غیر این صورت، نمی‌تواند مجازات جرمی را تشدید کند، هرچند جرم ارتكابی، زننده و خطرناک باشد (یزدانی، ۱۳۹۳: ۵۸).

همان‌طور که بیان شد، جرم عملی است ضد اخلاقی از سویی و ضد اجتماعی از سوی دیگر؛ این دو توجیه غالباً مورد پذیرش علمای علم اخلاق و حقوقدانان قرار گرفته است، هرچند بحث در این زمینه از دقت و ظرافت خاصی برخوردار است که نمی‌توان یک یا هر دو را با توجه به شرایط اخلاقی موجود در جامعه و عکس‌العمل‌های اجتماعی در قبال جرم در قالب اصول مسلمی عرضه داشت. موجباتی وجود دارد که به واسطه آنها موقعیت بزهکار را از نظر مجازات تشدید می‌کند. وقتی فردی مرتکب جرمی می‌شود، حادثه اتفاق افتاده را می‌توان با عناصری چند مربوط دانست و بزه ارتكابی از نظر منطقی و عقلی توجیه کرد و مجازات را تعدیل نمود؛ اما اگر بزهکاری، علی‌رغم گذشت و اغماض جامعه، مجدداً جرم جدیدی مرتکب شود یا در لحظات مختلف جرائم گوناگونی را انجام دهد، توجیه بزهکاری در این شرایط دشوارتر است و لذا، جامعه به دلیل احساس خطر، شدت عمل بیشتری نسبت به مجرمان معمول می‌دارد.

آیا عدالت میان مجرمی که نخستین بار مرتکب جرم شده است، با مجرمی که مکرر مرتکب بزه می‌شود، به یک میزان مجازات قائل است؟ در جواب باید گفت عدل و انصاف ایجاب می‌کند که میان این دو، تفاوت باشد. به علاوه، آنان نیز که «حالت خطرناکی» مجرم را در سیاست جنایی مطرح کرده‌اند، کسی را که به ارتكاب بزه خو کرده، فی‌الجمله خطرناک‌تر از دیگر مجرمین می‌شناسند.

در حقوق کیفری شاید بتوان جایگاه تشدید مجازات را در ذیل قواعد مربوط به ناتوان کردن مجرم مطرح نمود. برابر با این قواعد که خود منشعب از دستگاه فلسفی مانند «فلسفه حبس‌گرایی»^۱ می‌باشد، تشدید مجازات تا آنجا بایستی امتداد باید که توان فرد را برای ارتكاب جرم به طور کلی از بین ببرد؛ اما از دیدگاه حقوق کیفری اسلام به نظر می‌رسد قواعد تشدید مجازات نمی‌تواند به

^۱. Oriented philosophy prison

صرف توجه به ناتوان کردن مجرم برای ارتکاب جرم مورد شناسایی واقع گردد، زیرا در بین سایر مکاتب حقوق کیفری و مکتب حقوق کیفری اسلامی تمایز بارزی وجود دارد و آن مقوله تفاوت دیدگاه به انسان است؛ از دیدگاه حقوق غرب، ملاک در تبیین و تعیین مجازات صرف انسان است و لذا، اگر شخصی مرتکب جرمی بشود، با وی می‌توان هر نوع برخوردی نمود تا وی دیگر امکان ارتکاب آن جرم را نداشته باشد؛ در حالی که در نظام حقوق اسلام، صرف انسان بودن مورد توجه و عنایت شارع نیست و مهم‌تر از آن، انسانیت یا همان بُعد روحانی افراد بشر ملاک می‌باشد. از این رو، قواعد تشدیدیه که در اسلام وضع می‌شود، با آنچه که در حقوق غرب مورد شناسایی است، بسیار متفاوت است (ابراهیم آبادی، ۱۳۹۵: ۱۸). تشدید مجازات حالتی از کیفرگرایی است که قانون‌گذار به شیوه‌های مختلف زمانی که به این باور برسد برای برقراری نظم عمومی نمی‌تواند به شیوه مرسوم و عادی با یک پدیده ضد هنجاری مقابله نماید، از آن به طرق مدیریت تنبیهی جدید استفاده خواهد کرد (بل^۱، ۲۰۱۱: ۲۴۳)، عمده راه‌های قانونی که امکان تشدید مجازات را برای قانون‌گذار فراهم می‌آورد، در یکی از اشکال زیر قابل تصور است:

الف) قواعد عام تشدید مجازات در تعدد جرم^۲

ب) قواعد عام تشدید مجازات در تکرار جرم^۳

ج) قواعد عام تشدید مجازات با توسل بر عنصر دسته جمعی بودن^۴

د) قواعد عام تشدید مجازات با در نظر گرفتن شرایط بزه‌دیده^۵

ه) قواعد عام تشدید مجازات با تغییر عنوان مجرمانه^۶ فعل ارتكابی

و) قواعد عام رفتاری در مقام اجرای مجازات به شیوه تشدیدگرایانه

تشدید مجازات به مثابه هر امر دیگری که به موضوع بپیوندد، دارای آثاری است که ابعاد آن می‌تواند چالش‌های خاص خود را داشته باشد؛ بر اساس برخی از دیدگاه‌ها، جرم فرایند پاسخ به مکانیزم‌های اجتماعی است که یک فرد نمی‌تواند آن را مورد پذیرش قرار بدهد؛ با این تفسیر، وقتی مکانیزم اجتماعی که امروز یک جامعه بدان پایبند است، امری را اقتضاء می‌نماید و در اثر مقابله با آن، یک شخص مجرم شناخته می‌شود و به حبس محکوم می‌شود، در واقع وی به عنوان عنصر نامطلوبی در برابر این مکانیزم اجتماعی شناخته شده و لذا، با وی چنین برخوردی صورت می‌پذیرد؛ حال وقتی وی در زندان باشد و در همان دوران حبس، مکانیزم‌های اجتماعی تغییر یابند و شرایطی فراهم شود که اگر این فرد آزاد می‌بود، باز مرتکب جرمی نمی‌شد؛ در این صورت،

¹ Bell.

² Multiplicity of offenses

³ RECIDIVISM

⁴ Crime as a group

⁵ Terms of the victim

⁶ Change the criminal

اعمال تشدید مجازات و در واقع، استمرار تشدید مجازات هیچ مشروعیتی نخواهد داشت؛ و این فرع بر آن است که حاصل تقابل جامعه امروز با یک فرد سبب شناسایی برچسب مجرمانه به وی شده است، در حالی که این فرد بعد از گذر از یک دوره حبس طویل‌المدت بخواهد آزاد بشود، وی در واقع مانند میوه فاسدی خواهد بود که در سبد میوه آیندگان قرار داده می‌شود. به عبارت بهتر، ما یک مجرم را از جامعه خویش حذف می‌نماییم (چون حبسش کرده‌ایم) و یک مجرم سابقه‌دار به جامعه بعدی خویش اضافه می‌نماییم (چون بالاخره روزی دوره حبسش پایان می‌پذیرد) و در اینجا این سؤال مطرح می‌شود: اساساً ما چه حقی داریم که دستاوردهای باطل خویش را برای آیندگان بار نماییم و آن‌ها را مکلف نماییم با کسی که دوره طولانی را در زندان سپری نموده است و بنیان‌های فکری و اخلاقی وی پیش زوال یافته است و از دید عرف جامعه جدید نیز فاقد هر نوع شأن و جایگاهی است (حسینی و متولی زاده نائینی، ۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۳۵)، بسازند و با وی مراودات داشته باشند! در واقع، نقطه تأکید نگارنده آنجایی است که تشدید مجازات بخواهد ثمره‌اش در عصر و دوره دیگری مشخص بشود؛ در این صورت، ما قطعاً در حق آیندگان ظلم روا داشته‌ایم.

نکته دیگری که در این رابطه مطرح می‌شود، معطوف به این مورد است که جرم در یک زمان مشخص رخ می‌دهد و لذا، برابر با فلسفه‌های بنیادینی که مطرح شد، نظریه عدالت اجتماعی یا نظریه قرارداد اجتماعی، معتقد به نتایج و آورده‌هایی کیفی که نشان‌دهنده اجرای عدالت باشد، لازم است در همان جامعه به منصف ظهور برسد؛ در حالی که تشدید مجازات غالباً سبب اعمال مجازاتی می‌شود که ثمره آن برای نسل‌های بعدی نمایان می‌شود و از این منظر باز این ایراد وارد است که اعمال مجازات حبس نمی‌تواند بنیان فلسفی موجود را اقتناع نماید. مقوله دیگری که باید بدان توجه نمود، مربوط است به عدم ترتب فایده اجتماعی در رابطه با اعمال قواعد تشدید مجازات در رابطه با همه جرائم؛ به این معنا که برخی از جرائم هستند که فقط آسیب ناشی از آن می‌تواند یک فرد را متأثر نماید و آن هم خود ارتکاب‌دهنده است و حتی در مرحله بالاتر، خود مرتکب‌شونده به آثار مجرمانه خود با میل و اختیار تن در می‌دهد و جامعه از مجازات این فرد هیچ سودی کسب نمی‌نماید. در چنین فرضی اعمال تشدید مجازات به بهانه حفظ اقتدار و نظم اجتماعی به نظر می‌رسد محلی از اعراب ندارد (ابراهیم آبادی، ۱۳۹۵: ۲۰-۲۱). در حقوق کیفری مطابق با نظریاتی که پیشتر ارائه شد، شاید بتوان جایگاه تشدید مجازات را در ذیل قواعد مربوط به ناتوان کردن مجرم مطرح نمود.

برابر با این قواعد که خود منشعب از دستگاه‌های فلسفی مانند «فلسفه حبس‌گرایی»^۱ می‌باشد، تشدید مجازات تا آنجا بایستی امتداد یابد که توان فرد را برای ارتکاب جرم به‌طور

^۱. Oriented philosophy prison

کلی از بین ببرد؛ اما از دیدگاه حقوق کیفری اسلام به نظر می‌رسد قواعد تشدید مجازات نمی‌تواند به صرف توجه به ناتوان کردن مجرم برای ارتکاب جرم مورد شناسایی واقع گردد، زیرا در بین سایر مکاتب حقوق کیفری و مکتب حقوق کیفری اسلامی تمایز بارزی وجود دارد و آن مقوله تفاوت دیدگاه به انسان است؛ از دیدگاه حقوق غرب،^۱ ملاک در تبیین و تعیین مجازات صرف انسان است و لذا، اگر شخصی مرتکب جرمی بشود، با وی می‌توان هر نوع برخوردی نمود تا وی دیگر امکان ارتکاب آن جرم را نداشته باشد؛^۲ در حالی که در نظام حقوق اسلامی، صرف انسان بودن مورد توجه و عنایت شارع نیست و مهم‌تر از آن، انسانیت یا همان بُعد روحانی افراد بشر ملاک می‌باشد. از این رو، قواعد تشدید که در اسلام وضع می‌شود، با آنچه که در حقوق غرب مورد شناسایی است، بسیار متفاوت است. از دیدگاه حقوق اسلامی، تشدید مجازات تنها زمانی بایستی اعمال بشود که خواستگاه و حیوانی آن مورد تعرض قرار گرفته باشد و نه آنکه صرفاً تعرضی به حقوق افراد جامعه وارد آمده باشد.^۳ در واقع، اسلام بر این موضع تأکید دارد که حقوق در بین مردم به دو دسته تقسیم می‌شود: بخشی از آنکه حقوق الله است و بخشی که حقوق الناس شمرده می‌شود. در حوزه حقوق الناس، اصل بر مدار عدالت استوار بوده و هیچ‌گریز از آن جایز شمرده نشده است (ابراهیم آبادی، ۱۳۹۵: ۱۸).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تعدد جرم یکی از پدیده‌هایی است که نوع برخورد یک سیستم جزایی با این پدیده نوع نگرش آن سیستم جزایی را نسبت به پدیده مجرمانه نشان می‌دهد. بررسی مقررات و واکنش کیفری در قبال تعدد جرم بر مبنای داده‌ها و آمارهای دقیق از میزان تعدد جرم در جامعه تا حدودی راهگشا و زمینه‌ساز اتخاذ و اعمال یک سیاست جنایی سنجیده و معقول و بهره‌گیری از دستاوردهای علوم مرتبط تلقی می‌گردد. این مهم از نظر قانون‌گذاران کیفری ایران و فرانسه نیز مهجور نیفتاده و حقوق کیفری ایران و فرانسه تعدد جرم را از علل تشدیدکننده‌ی مجازات‌ها قرار داده است. کما اینکه در قوانین جزایی کشورهای مختلف نیز با کسانی که جرائم متعدد انجام می‌دهند، به نحو

^۱ در مفهوم عام مدنظر می‌باشد، به عبارت بهتر، هر وقت این لفظ در این نوشتار بکار برده شود، منظور تمام مکاتب فلسفی حقوقی غیر از حقوق کیفری اسلام است.

^۲ بر مبنای همین نظریه بود که در برهه‌ای مجرمان جنسی را اخته می‌نمودند تا دیگر امکان ارتکاب چنین رفتار مجرمانه‌ای از آن‌ها سلب شود.

^۳ به عنوان مثال، اگر شخصی در ایام ماه مبارک رمضان شراب بنوشد، به وی علاوه بر اینکه حد مسکر می‌نوازند، شلاق تعزیری دیگری نیز به‌عنوان تشدید و عدم پاسداشت حرمت ماه یاد شده خواهند نواخت؛ اما اگر فردی دو شخص را به قتل برساند، این‌طور برای وی تشدید در نظر نمی‌گیرند که ابتدا بایستی اعدام شود و بعداً فرضاً سرش قطع گردد! و فقط حکم قصاص آن هم در صورت تقاضای اولیاءدم اجرا می‌گردد.

شدیدتری برخوردار می‌شود. یکی از راه‌های فردی کردن مجازات‌ها، واکنش در قبال تعدد جرم است که از علل تشدید مجازات‌ها به شمار می‌رود.

از آنچه که در این نوشتار مورد نقد و بررسی قرار گرفت، نویسنده این طور برداشت می‌کند که فلسفه و مبانی تشدید مبتنی بر دستگاه فلسفی حقوق کیفری غربی، برای اعمال قواعد عام خود در تشدید مجازات متوسل به منطق‌هایی مانند منطق فایده اجتماعی، منطق اقتدارگرایی قانون، منطق توازن اجتماعی و... که همه آن‌ها تأکیدکننده حرکتی هستند که در جبهه اصل انسان و جوامع انسانی مورد هدف قرار می‌گیرد؛ از این رو، تلاش می‌نمایند تا برای اعمال این مقوله از مجازاتی نظیر حبس بهره ببرند. این در حالی است که چنین مجازات‌هایی نمی‌تواند ایشان را به هیچ یک از مصادیقی که بر مبنای آن قواعد فلسفه حقوق کیفری خود را وضع نموده‌اند، برساند؛ اما در دیگر سو، دستگاه فلسفه حقوق کیفری اسلامی با محوریت قرار دادن انسانیت به عنوان اساس و شاکله و ضابطه قواعد تشدید مجازات، شیوه عملکرد خویش را در این حوزه با اعمال مجازات‌هایی نظیر شلاق و یا سایر کیفرهایی استوار می‌نماید که نتیجه آن شخصیت آدمی را هدف قرار دهد و به اصلاح وی در زمان کوتاه مدت کمک نماید و از این طریق بار اعمال کیفرگرایی به طریقه تشدید مجازات هرگز بر آیندگان بار نخواهد شد.

در عین حال، تغییر سیاست جنایی ایران و فرانسه در خصوص تعدد جرم و ظهور مشکلات اجرایی، قضایی و امنیتی، موجب شده است تا اصلاح مواد مربوطه به مرور زمان نیز در دستور نهادهای قانون‌گذاری قرار گیرند. لذا، محقق در این مقاله با مطالعه تطبیقی این نهاد در حقوق کیفری ایران و فرانسه، در صدد تبیین شفاف‌تری از مبانی، قلمرو و آثار نهاد حقوقی تعدد جرم در حقوق ایران و فرانسه بوده است. پیچیدگی مبانی تعدد تعدد جرم، تأثیر اعمال آن در سرنوشت مجرم، کاربرد عملی تعدد جرم در پرونده‌های کیفری و تأثیر شناخت آن در پیشگیری حقوقی از ارتکاب مجدد جرم باعث شد که ذهن محقق به سوی این تحقیق سوق داده شود.

به طور خلاصه، اگر بخواهیم ابراز عقیده نموده باشیم، به دلیل فلسفه متقن و قوی‌ای در عرصه تشدید مجازات‌ها لازم است حداقل شیوه برخورد‌های کیفری در این حوزه تغییر یافته و قواعد تعدد که به عنوان تشدید مجازات محور احکام قضایی قرار می‌گیرند، با دید عرفی و به نحوی سبب افزایش مجازات گردند که بار اعمال تشدیدگرایی برای دوره‌های بعدی مشکلی را به وجود نیاورد.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

منابع فارسی

الف) کتب

- ابراهیمی منش، مهرا و نصراله قراخانی (۱۳۹۴). **تعدد و تکرار جرم**. تهران: انتشارات بهنامی.
- الهام، غلامحسین (۱۳۷۲). **مبانی فقهی و حقوقی تعدد جرم**. تهران: نشر بسری.
- الهام، غلامحسین و محسن برهانی (۱۳۹۳). **درآمدی بر حقوق جزای عمومی**. جلد دوم. چاپ دوم. تهران: نشر میزان.
- باهری، محمد (۱۳۸۹). **حقوق جزای عمومی**. جلد دوم. تهران: انتشارات مجد.
- بسامی، مسعود (۱۳۹۵). **تعدد جرم - علمی کاربردی (با آرای متعدد از دیوانعالی کشور، نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه و...)**. تهران: انتشارات خرسندی.
- بسامی، مسعود (۱۳۸۹). **تعدد اعتباری جرم در رویه قضایی و دکترین**. چاپ اول. تهران: انتشارات خرسندی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۰). **فرهنگ لغت**. تهران: رشد.
- شامیاتی، هوشنگ (۱۳۹۶). **حقوق جزای عمومی (۳)**. تهران: مجد.
- شیخ اسلامی، عباس (۱۳۹۵). **تعدد جرم نظریه‌ها و رویه‌ها**. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
- علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۳۴). **حقوق جنایی**. جلد دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عمید، حسن (۱۳۹۷). **فرهنگ فارسی عمید**. تهران: انتشارات اشجع.
- فرج الهی، رضا (۱۳۸۹). **جرم‌شناسی و مسئولیت کیفری**. تهران: میزان.
- کلاتری، کیومرث و سید حسن جعفریان سوته (۱۳۹۴). **تعدد جرم**. تهران: دانشگاه مازندران.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا و لیلا مقدادی (۱۳۹۵). **درآمدی بر قانون مجازات فرانسه**. تهران: خرسندی.
- معین، محمد (۱۳۸۵). **فرهنگ فارسی**. دوره دوجلدی. جلد اول. تهران: کتاب راه نو.
- معین، محمد (۱۳۸۴). **فرهنگ فارسی**. دوره دو جلدی. جلد اول. چاپ سوم. تهران: آدنا.
- میلانی، علیرضا (۱۳۹۵). **حقوق جزای عمومی (۳)**. تهران: میزان.
- منصور آبادی، عباس (۱۳۹۵). **حقوق کیفری عمومی**. جلد اول. تهران: میزان.
- نوربها، رضا (۱۳۹۶). **زمینه حقوق جزای عمومی**. ویراست جدید. تهران: میزان.

ب) مقاله‌ها

- ابراهیم آبادی، فرشته (۱۳۹۵). **فلسفه تشدید مجازات در دستگاه فلسفی حقوق غرب و حقوق اسلامی**. مطالعات علوم انسانی. ۲(۶): ۲۶-۱۳.
- احمدی، زهرا (۱۳۹۳). **تداخل مجازات‌ها در تعدد جرائم مستوجب حد و چالش‌های آن**. مطالعات اسلامی: فقه و اصول. ۴۳(۹۷): ۷۴-۵۵.

- اختری، سجاد، شبانی، سارا، یعقوبی شهرستانی، هنگامه (۱۳۹۶). **نگرشی حقوقی بر تعدد جرم از منظر قوانین جزایی ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲**. اولین کنفرانس بین‌المللی علوم اجتماعی، تربیتی علوم انسانی و روانشناسی.
- حاجی ده آبادی، احمد و همکاران (۱۳۹۵). **جایگاه تعدد نتیجه در حقوق کیفری ایران**. پژوهش‌نامه حقوق کیفری. ۷(۱۳): ۱۰۱-۱۲۲.
- حاجی مرادی خانی، عاطفه (۱۳۹۵). **بررسی تحولات تقنینی قاعده تعدد جرم در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲**. اولین همایش ملی یافته‌های نوین در علوم انسانی و امنیت اجتماعی.
- حسینی، سید محمد و متولی زاده نائینی، نفیسه (۱۳۹۱). **بررسی نظریه برچسب‌زنی با نگاه به منابع اسلامی**. فصلنامه حقوق. ۴۲(۴): ۱۱۷-۱۳۶.
- ذاکر حسین، محمدهادی (۱۳۸۸). **چشم‌انداز تعدد جرم از افق مبانی فقهی**. دادرسی. ۱۳(۷۳): ۲۵-۳۱.
- ساداتی، سید محمد مهدی (۱۳۹۶). **تعدد جرم در حقوق ایران و آلمان**. مطالعات حقوق تطبیقی. ۸(۱): ۲۰۳-۲۲۶.
- جعفری دولت آبادی، عباس (۱۳۸۴). **بررسی تطبیقی تعدد و تکرار جرم در حقوق ایران و اردن**. دادرسی. ۹(۵۳): ۱۰-۱۵.
- کلانتری، کیومرث و جعفریان سوته، سید حسن (۱۳۹۰). **افق‌های اعمال کیفر در تعدد مادی جرم (افعال مختلف، عناوین متفاوت) با تأکید بر حقوق ایران و مصر**، تحقیقات حقوقی، ۱۴(۱۴۷).
- لطفی، اسداله و میر مجیدی، سپیده (۱۳۹۴). **تداخل و عدم تداخل اسباب و مسببات و جلوه‌هایی از آن در فقه و حقوق ایران**. دیدگاه‌های حقوق قضایی. ۲۰(۷۲): ۱۸۳-۱۶۱.
- یزدانی، سید محمد علی (۱۳۹۳). **عوامل تشدید مجازات در فقه و حقوق**. فقه قضایی. ۵(۱): ۷۷-۵۴.

منابع لاتین

- Bell, E.(2010).**The Intensification of Punishment from Thatcher to Blair: From conservative authoritarianism to punitive interventionism**. Criminal Justice and Neoliberalism. New York: Palgrave Macmillan.
- Hoskins,z.(2011).**Th moral permissibility of punishment**. Thesis. All thses and Dissertations (ETDs).Washington University.